

فرهنگ و ابزارهای سیاست خارجی دولت اسلامی

از دیدگاه امام خمینی (ره) / امیر حسین مرادپور

چکیده

در اندیشه امام خمینی (ره) فرهنگ، جایگاه والایی دارد. با بررسی دیدگاه‌های امام (ره) متوجه می‌شویم که ماهیت سیاست خارجی، ماهیتی فرهنگی است؛ بنابراین، ابزارهای دستیابی به سیاست خارجی هم فرهنگی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، سیاست خارجی، دیپلماسی، تبلیغات، اقتصاد، امام خمینی (ره).

مقدمه

مطالعه و بررسی سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) بخشی از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های امام خمینی (ره) را در برمی‌گیرد که فهم آن می‌تواند کمک مؤثری را به مطالعه‌های مفهومی و نظری سیاست خارجی دولت‌های اسلامی، از جمله ایران بنماید.

سیاست خارجی، مقوله‌ای معطوف به محیط داخلی و خارجی است و هدف از آن، تأمین اهداف و منافع ملی یک کشور در محیط بیرونی است. نوع نگاه به محیط بین‌المللی نقش مؤثری را در چگونگی تنظیم سیاست خارجی ایفا می‌نماید و همواره این مسئله مطرح بوده است که سیاست خارجی باید در پی تحقق چه اهدافی باشد و از چه ساز و کارهایی برای نیل به اهداف استفاده نماید.

اگر سیاست و ماهیت آن را کسب قدرت بدانیم و آن را همانند دیدگاه رئالیستی در کسب قدرت مادی بدانیم، سیاست خارجی ماهیتی مادی به خود می‌گیرد و اگر جنبه‌های اخلاقی و ارزشی را لحاظ نماییم، در حد زیادی تنظیم سیاست خارجی بر اساس ارزش‌ها است.

از آن جهت که ماهیت سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) ماهیتی ارزشی و فرهنگی دارد؛ بنابراین، ابزارهایی را که دولت اسلامی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی به کار می‌گیرد، ابزارهایی با ماهیت فرهنگی و ارزشی است که پژوهش حاضر، به دنبال آزمون فرهنگی بودن این ابزارها می‌باشد. بنابراین، نگاه حضرت امام خمینی (ره) به ابزارهایی همچون دیپلماسی، تبلیغات، اقتصاد و ابزار نظامی، نگاهی فرهنگی است. قبل از اینکه هر یک از این ابزارها را از دیدگاه امام خمینی (ره) بررسی کنیم، ابتدا مفهوم فرهنگ و اهمیت آن را از دیدگاه ایشان بررسی می‌کنیم.

الف. ماهیت فرهنگی

مفهوم فرهنگ غالباً برای اشاره به باورها، نگرش‌ها، سنت‌ها و ارزش‌ها، به ویژه یک گروه اجتماعی یا ملت استفاده می‌شود که از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود. با توجه به اینکه فرهنگ، مبدأ اعمال انسان‌ها و منشأ سیر تکاملی جامعه است، می‌تواند در جهت تعالی یا انحطاط جامعه عمل کند. اگر جامعه‌ای بخواهد به سمت پیشرفت و تعالی گام بردارد، باید فرهنگی موافق با تمدن و پیشرفت داشته باشد. فرهنگ در همه شئون زندگی فرد و در ساخت جامعه دخالت می‌کند و ساختار واحدی را به جامعه می‌بخشد؛ بنابراین، فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره) عبارت است از: «دانش، ادب، تعلیم و تربیت، اعتقادات، اخلاق و عمل، گرایش‌های فکری، هنجارها، باورها، ارزش‌ها، برداشت‌ها و هنر اجتماع و قواعد آنها در جامعه» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۱۸۷؛ ج ۱۲، ص ۱۵۷؛ ج ۱۹، ص ۲۰۳ و ج ۳، ص ۲۱۴).

فرهنگ در نظر امام خمینی (ره) به معنای باورها و اعتقادهایی است که زندگی شخصی و اجتماعی افراد یک جامعه با آنها رو به رو است. نظریه فرهنگی حضرت امام (ره) مبتنی بر ساخت انسان فرهنگی است. همچنین ایشان پویایی فرهنگی را در اصل تعلیم و تربیت، تزکیه نفس، طهارت روح و عمل حسنه مؤثر می‌دانند (همان، ج ۱۵، ص ۱۶).

ب. اهمیت فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) فرهنگ را اساس و بنیان همه کارها می‌داند. ایشان معتقدند که انحراف در فرهنگ یک کشور باعث انحراف در همه امور آن می‌شود. «اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم به صراط مستقیم انسانی و الهی پای‌بند باشند و به استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پای‌بند باشند، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف خواهد کشاند» (اسفندیاری، ۱۳۸۵).

از نظر امام راحل، اهمیت فرهنگ به دو دلیل است: نخست، به دلیل جایگاهی که در هویت و موجودیت جامعه و افراد دارد و دیگری، به سبب نقشی است که در پیشرفت یا انحطاط جوامع ایفا می‌کند. ایشان در این باره معتقدند که فرهنگ، والاترین و بالاترین عنصری است که دخالت اساسی در موجودیت هر جامعه دارد، همچنین فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است. امام (ره) در این باره می‌فرماید: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۱۶۰).

همچنین ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «فرهنگ اساس ملت است. اساس ملیت یک ملت است. اساس استقلال یک ملت است» (همان، ج ۶، ص ۴۰).

حضرت امام (ره)، عملکرد صحیح فرهنگ و نیز بهره‌مندی از نتایج پیشرفت علوم و فنون را عامل دستیابی به خوشبختی می‌داند و می‌فرماید: «اگر مشکلات فرهنگ و آموزشی به صورتی که مصالح کشور اقتضاء می‌کند، حل شود، دیگر مسائل به آسانی حل می‌گردد» (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳). از نگاه ایشان، «رأس همه اصلاح‌ها، اصلاح فرهنگ است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۳۵۶)، همچنین برای دست یافتن به توسعه می‌فرمایند:

«بزرگ‌ترین تحولی که باید بشود، در فرهنگ باید بشود، برای اینکه بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد. برنامه‌های فرهنگی، تحول لازم دارد. فرهنگ باید متحول بشود. این غیر از سایر اداره‌ها است. فرهنگ غیر جاهای دیگر است. بنابراین، مشکلات زیاد است» (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴). به نظر امام، اسلام فرهنگ غنی انسان‌سازی دارد که ملت‌ها را بدون گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ، زبان و منطقه به پیش می‌برد و انسان‌ها را در بعد اعتقادی، اخلاقی و عملی هدایت می‌کند و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش رهنمون می‌نماید.

ج. نقش فرهنگ در ابزارهای سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)

۱. دیپلماسی

همه کشورها و از جمله کشور اسلامی برای دستیابی به اهداف خود در سیاست خارجی از ابزارهایی استفاده می‌کنند که در مرحله اول، ابزارهای مسالمت‌آمیز را در برمی‌گیرد که شامل دیپلماسی، تبلیغات و فنون اقتصادی است و در مرحله دوم، در صورت نیاز از ابزارهای غیر مسالمت‌آمیز و از جمله مداخله و اقدام‌های نظامی استفاده می‌شود. در این میان، دولت اسلامی بر اساس ماهیت فرهنگی اهداف سیاست خارجی خود، از ابزارهای مسالمت‌آمیز و فرهنگی استفاده می‌کند و به کارگیری ابزارهای نظامی نیز در ارتباط با اهداف فرهنگی معنا می‌یابد.

امام خمینی (ره) با توجه به سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص) بر استفاده از دیپلماسی و اعزام سفیر برای تحقق بخشیدن به اهداف اسلام و دولت اسلامی تأکید دارد. ایشان می‌فرمایند: «ما باید همان گونه که در زمان صدر اسلام، پیامبر اکرم (ص) سفیر به این و آن طرف می‌فرستاد که روابط درست کند، عمل کنیم، نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم دولت‌ها چه کاری داریم» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۲۴۰).

همچنین ایشان درباره رابطه انسانی با همه ملت‌ها می‌فرمایند: «روابط انسانی با هیچ‌جا مانعی ندارد و ما با ملت‌ها خوب هستیم» (همو، ۱۳۸۱، ص ۴).

ایشان تأکید می‌کنند که رفتار با دولت‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد: «دولت‌ها باید بدانند که پیروی از تعالیم اسلامی، با تمامی آنها در صورتی که به موازین اسلامی گردن نهند، با برادری و برابری رفتار می‌نمایند» (همان، ص ۵). همچنین «با همه دولی که به احترام ما رفتار کنند، ما نیز با آنها به احترام متقابل رفتار خواهیم کرد» (همان، ص ۶).

البته ایشان بر روابط متقابل با همه دولت‌ها تأکید می‌کنند: «نسبت به سایر دول هم با احترام متقابل عمل می‌کنیم» (همان، ص ۷).

امام در پاسخ به این سؤال که درباره پیمان‌های خارجی که انقلاب کوشش دارد تا برقرار نماید، نظر شما چیست، می‌فرمایند: «ما هرگز داخل درهای بسته زندگی نمی‌کنیم؛ ولی این درها را نیز برای استعمارگران باز نمی‌نماییم که اکنون شاه چنین کرده است. روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و بر این اساس، با هر کشوری که مایل باشد، با احترام متقابل عمل می‌کنیم» (همان، ص ۳۶).

مطالب بیان شده نشان می‌دهد که ضرورت اول دولت اسلامی، برقراری روابط و توسعه آن با کشورهای دیگر است و در مرحله دوم، این روابط باید بر اساس احترام متقابل و در چارچوب آموزه‌های اسلامی و انسانی باشد و در راستای اهداف و غایت فرهنگی اسلام شکل بگیرد که همان حرکت ملی انسان‌ها و ملت‌ها به سمت سعادت معنوی و مادی در تعامل‌های و روابط فرا ملی و جهانی است.

از سوی دیگر، امام (ره) توجه ویژه‌ای به دستگاه دیپلماسی کشور و وزرات امور خارجه برای تحقق بخشیدن به اهداف سیاست خارجی دارد.

نظر ایشان درباره در مورد اهمیت مسئولیت‌ها و وظایف وزارت امور خارجه این است که: «این وزارتخانه از سایر وزارتخانه‌ها حساسیت بیشتری دارد، برای اینکه سر و کارش با تمام ممالک دنیاست... و با همه دنیا و با افکار و ایده‌های مختلف و برنامه‌های گوناگون روابط دارد. وزارت خارجه تنها وزارتخانه‌ای است که با اسلامی شدنش بیشتر از سایر وزارتخانه‌ها می‌تواند موجودیت اسلامی ما را به خارج نشان دهد و به عکس. صدمه‌هایی که به این کشور ممکن است وارد آید و در سابق از ناحیه سفارتخانه‌های خارجی در اینجا و سفارتخانه‌های ما در خارج بر کشور وارد شده، بیشتر از دیگران است» (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۶۴ و ج ۱۷، ص ۱۲۳).

اصلاح، تقویت و تطبیق عملکرد سفارتخانه‌های دولت اسلامی ایران با موازین و معیارهای اسلامی مورد تأکید بسیار امام خمینی (ره) بوده است: «سفارتخانه‌ها آبروی کشور اسلامی ماست. اگر آنجا بد باشد، مردم خارج آنها را نگاه می‌کنند، وقتی دیدند که یک سفارتخانه‌ای بر وفق دولت اسلامی نیست، بر وفق اسلام نیست، وضعش همان وضع طاغوتی است، از آن قیاس می‌کنند که خوب داخل هم همین است، فرق نمی‌کند» (همان، ج ۱۵، ص ۱۰۵).

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره نحوه اعمال دیپلماسی، به عنوان شیوه و ابزار، بیش از هر چیز دیگر در پرتوی جهان‌بینی گسترده الهی ایشان روشن می‌شود. امام (ره) همه این اعمال سیاسی را به عنوان تکلیف و وظیفه انجام می‌دادند، نه به عنوان حقوق شخصی یا جمعی و یا صرفاً منافع. اگر چه این منافع در پرتوی ادای تکلیف حاصل می‌شود؛ اما ایشان حوزه دیپلماسی را از سطح دولت‌ها به ملت‌ها و از میان مسلمانان به همه مستضعفان می‌کشاند (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۷۸ - ۷۹) و می‌فرمایند: «ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کس در هر قطبی که مظلوم باشد، ما طرفدار او هستیم» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳). همچنین ایشان بیان می‌دارند: «ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب در دو کلمه خلاصه می‌شود: لا تظلمون و لا تظلمون» (همان، ج ۱۴، ص ۶۶).

حضرت امام (ره) توجه کارگزاران دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان الگویی از دولت اسلامی را به این نکته معطوف می‌کنند که در دیپلماسی به هیچ وجه نباید نسبت به دشمن از موضع ضعف و ترس برخوردار کرد؛ بلکه باید کاملاً شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت‌های بزرگ رو به رو شد. نمایندگان سیاسی ایران در انتقال فرهنگ جمهوری اسلامی به خارج نقش اساسی و مهم را برعهده دارند و باید با توجه به ضرورت شرایط، به عنوان رسانه‌ای برای انتقال ارزش‌های حاکم بر نظام اسلامی عمل نمایند (توکلی کرمانی، بی تا، ص ۲۲۸).

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بنیان دیپلماسی اسلامی بر فرهنگ اسلامی نهاده شده است و در فرهنگ اسلامی، به کرامت انسان و ارزش‌های والای انسانی اصالت داده شده است که از دیپلماسی مورد نظر غربی‌ها و

دیگر کشورهای استکباری متمایز است، زیرا آنان دیپلماسی‌شان بر اساس منافع مادی و خود یاری صرف است؛ اما دیپلماسی در اسلام بر اساس عزت، مصلحت و عدالت است که ماهیت فرهنگی دارد.

۲. تبلیغات

یکی دیگر از ابزارهای سیاست خارجی دولت‌ها، تبلیغات است. آنچه مسلم است، اینکه تبلیغات اسلامی و غرب تفاوت دارد، زیرا آنچه جوهره تبلیغات اسلامی را می‌سازد، دعوت ملت‌ها به تفاهم، همدلی و معنویت برای پیشبرد اهداف الهی و انسانی و رساندن انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی است؛ در حالی که هدف در تبلیغات مرسوم در بیشتر کشورهای غربی، دستیابی به منافع مادی و توجه به افزایش قدرت در جهان است.

بر این اساس، دولت اسلامی با توجه به ماهیت فرهنگی و فکری آن باید از تبلیغات و فنون آن به صورت صحیح و انسانی در جهت تحقق بخشیدن به اهداف والای دولت اسلامی استفاده نماید. امام (ره) توجه ویژه‌ای به تبلیغات اسلامی در روابط خارجی دارند و در این باره در جمع مسئولان و مدیران صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می‌فرمایند: «تبلیغات مسئله‌ای پر اهمیت و حساس است؛ یعنی دنیا با تبلیغات حرکت می‌کند. آن قدری که دشمنان ما از حربه تبلیغات استفاده می‌کنند، از راه دیگری استفاده نمی‌کنند. ما باید به مسئله تبلیغات بسیار اهمیت بدهیم و از همه چیزهایی که هست، بیشتر به آن توجه کنیم» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۱۵۷).

امام (ره) تبلیغات را به عنوان سلاح برنده‌ای به مراتب مهم‌تر از سلاح‌های جنگی در دست دشمنان جمهوری اسلامی ایران می‌داند و می‌فرمایند: «سلاح تبلیغات، برنده‌تر از کاربرد سلاح در میدان‌های جنگ است» (همان، ج ۱۶، ص ۸۱).

همچنین ایشان بر نقش کلیدی سفارتخانه‌ها در ترویج فرهنگ اسلامی در خارج از کشور بسیار تأکید می‌کنند: «باید سفارتخانه‌های ما یک مرکز تبلیغات باشد» (همو، ۱۳۸۱، ص ۷۷).

امام (ره) نقش تبلیغات را مهم تلقی می‌کنند: «بالاترین چیزی که می‌تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و به خارج صادر کند، تبلیغات است؛ تبلیغات صحیح» (همو، ۱۳۶۴، ص ۴۴). همچنین ایشان معتقد بودند که ما باید به هر وسیله ممکن به ابزار تبلیغات آشنا شده و در مقابل تبلیغات مخرب دشمن، تبلیغات اسلامی را در سر تا سر جهان گسترش دهیم؛ به عبارت دیگر، امام بر این باور بودند که اسلام را باید به وسیله فرهنگ و ابزارهای فرهنگی و تبلیغی به جهان صادر کرد و در این جهت، باید از تکنولوژی روز استفاده کرد. ایشان می‌فرمایند: «ما باید تبلیغات خود را گسترش دهیم و به زبان‌های دیگر، مانند عربی و انگلیسی، مسائل خود را به سایر نقاط دنیا برسانیم» (همو، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۱۳۷).

در این رابطه، مقوله دعوت در اسلام، جایگاه و اهمیت خاصی دارد و در ارتباط مستقیم با تبلیغات است که در ادامه، به صورت خلاصه به آن اشاره می‌شود.

دین مبین اسلام برای دعوت، ارزش و اهمیت زیادی قائل شده است و آن را وظیفه اصلی پیامبران الهی می‌داند. البته به نظر می‌رسد که بار اصلی مسئولیت تبلیغ دین اسلام و ارزش‌های والای اسلامی برعهده ارگان‌های متخصص، مانند مؤسسه‌های تبلیغاتی، فرهنگی و رسانه‌های گروهی است. با توجه به حساسیت و اهمیت دعوت و تأکید زیاد قرآن کریم و روایات معصومین(ع) بر آن، بیشتر فقها و محققان، آن را یکی از ابزار سیاست خارجی اسلام و از وظایف اساسی دیپلماسی اسلامی می‌دانند. حال دیدگاه‌های امام خمینی(ره) را درباره شیوه دعوت در سیاست خارجی دولت اسلامی بیان می‌کنیم.

از دیدگاه امام(ره) دعوت به توحید به عنوان یک شیوه در روابط خارجی و سیاست برون مرزی اسلام است، بر خلاف قوانین بشری که صرفاً انسان را به زندگی مادی دنیایی دعوت می‌کند و از زندگی همیشگی ابدی غافل می‌سازد، اسلام نه تنها در تهیه مقدمه‌های زندگی معنوی، بلکه در زندگی مادی و در امر نظم کشور و جهت‌های اجتماعی و اساس تمدن، دخالت کامل دارد (امام خمینی، بی تا، ص ۳۱۲-۳۱۳).

امام خمینی(ره) با اعتقاد به اینکه اجرای دعوت به عنوان یکی از ضرورت‌های فقه اسلام، مستلزم ایجاد رابطه با سایر کشورها است، روی عوامل مشترک‌های کشورهای اسلامی، به عنوان عامل زمینه‌ساز تفاهم این گونه تأکید می‌کند: «ما همه در تحت لوای توحید مجتمع هستیم ... مبدأ و معاد، ایده همه است و ما این مشترک‌ها را داریم ... لازم است که ... همه با هم ید واحد باشیم، [در برابر] دیگرانی که می‌خواهند به ما تعدی کنند، چه با اسلام و چه با سایر مذاهب به مسلمین جهان و به ملت‌های مظلوم جهان ظلم و ستم روا دارند و من امیدوارم که کشورهای دیگر اسلامی که خودشان را در قید و بند طبیعت قرار داده‌اند ... این قید و بندها را باز کنند و با برادران ایرانی خودشان در این جهاد اکبر هم‌قدم باشند تا در جهاد با ابرقدرت‌ها پیروز شوند و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که این دولت‌هایی که در کشورهای اسلامی حکومت می‌کنند، آنها را بیدار کند و این طور ذخایر خودشان را در طبق اخلاص برای قدرت‌ها نگذارند و با روی گشاده ذخایر ملت فقیر خودشان را به قدرت‌های بزرگ تقدیم نکنند و توجه کنند به اینکه امروز تکلیف این است که همان طور که ایران قیام کرد و پیروز شد و دیدید که نتوانستند قدرت‌ها با او مقابله کند، شما هم، دولت‌ها هم، با ایران هم‌قدم باشند تا اینکه إن شاء الله اساس ظلم از پیش برچیده شود و پرچم اسلام در تمام کشورها به اهتزاز در آید (همو، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۵۹).

امام(ره) بر اساس همین شیوه دعوت، به گورباچف، نامه نوشت و ایشان را به مکتب حیات بخش اسلام و مطالعه آن دعوت نمود.

تلاش دیگر امام(ره) برای دعوت امت اسلامی به اتحاد و همدلی، استفاده از فرصت عظیم حج است که به عنوان محل بزرگی برای تبلیغ اسلام در سر تا سر جهان و تعمیق بخشیدن آن در جهان اسلام محسوب می‌شود که به صورت مختصر به آن می‌پردازیم.

۲-۲. حج

کنگره عظیم حج که بزرگ‌ترین گردهمایی سالانه مسلمانان جهان در سرزمین وحی را در برمی‌گیرد، برای طرح مسائل و مشکلات جهان اسلام، هم‌اندیشی درباره یافتن راه‌حل‌های مناسب و تقویت حق در برابر باطل و نیز

استوار کردن شالوده امت واحده اسلامی به وسیله گفتگوی بین ادیان، فرصت بسیار خوبی است. متأسفانه بعد سیاسی و تبلیغی حج که از ابعاد مسلم و دارای اهمیت آن می‌باشد، به دلیل حاکمیت طولانی افراد بدون صلاحیت بر گستره دارالاسلام به فراموشی سپرده شده است تا اینکه با عنایت الهی، در عصر حاضر و به دست با کفایت امام خمینی (ره) در قالب راهپیمایی برائت از مشرکان احیاء گردید که می‌توان آن را در قالب ابزار تبلیغی، فرهنگی و سیاسی سیاست خارجی دولت اسلامی قرار داد.

امام (ره) در پیامی خطاب به حجاج بیت الله الحرام سال ۱۴۰۷ (مرداد ۱۳۶۶) فرمودند: «مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدان جز به ظهور کامل نفرت از مشرکان و منافقان میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت که در آن به هر چه تجاوز، ستم، استثمار، بردگی و یا دون صفتی و نامردی است، عملاً و قولاً پشت شود و در تجربه میثاق اُلت بربکم، بت الهه‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حرکت سیاسی پیامبر در اذن من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر زنده بماند و تکرار شود» (همان، ج ۲۰، ص ۱۱۱).

همچنین امام (ره) بر نقش تبلیغی حج تأکید می‌نمایند و می‌فرمایند: «در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولان تبلیغات حج برای انتقال تجربه‌های انقلاب و ارائه خط‌مشی‌های سیاسی در پرتوی احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه، نقش کارسازی باید ایفا بنمایند» (همان، ص ۱۲۵).

به نظر ایشان، حج تبلور اخوت و وحدت امت اسلامی است که باید از آن بهره‌گیری شود: «حج بهترین میعادگاه معارفه ملت‌های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گرد هم می‌آیند و با کنار گذاردن شخص‌ها، رنگ‌ها، ملیت‌ها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و دوری از مجادله‌ها و تجمل‌ها، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکیل امت محمدی (ص) را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند» (همان، ج ۲۰، ص ۱۳۱).

از نگاه امام (ره)، اجتماع‌های اسلامی باید در خدمت تبلیغات و تعلیمات اسلامی قرار بگیرند: «بسیاری از احکام عبادی اسلام، منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی است ... اسلام ترتیب‌هایی داده که هر کس که خودش آرزو می‌کند به حج برود، راه افتاده و به حج می‌رود. خودش با اشتیاق به نماز جماعت می‌رود. باید از این اجتماع‌ها به منظور تبلیغات و تعلیمات دینی و توسعه نهضت اعتقادی و سیاسی اسلامی استفاده کنیم ... امروز باید با جدیت این اجتماع‌ها را ترتیب دهیم و از آن برای تبلیغات و تعلیمات استفاده کنیم» (همو، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱-۱۳۲).

توجه به ابعاد سیاسی - عقیدتی و فرهنگی حج توسط امام (ره) بیانگر دیدگاه عمیق ایشان است که می‌تواند در سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا حج با تبلیغات، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. حج، بهترین، آسان‌ترین و با برکت‌ترین وسیله برای تبلیغ حکومت اسلامی و احکام اسلام در جهان است که گاه احتیاج به لوازم آن، مانند فنون و مهارت‌های ویژه را در پی نخواهد داشت و در حقیقت، به عنوان یک ابزار غیر زبانی و به منزله «کونوا دعاة للناس بغير الستکم» است (مجلسی، بی تا، ج ۶۷، ص ۳۰۳).

در مجموع، بررسی دیدگاه‌های امام(ره) در مورد دعوت و مراسم حج نشان می‌دهد که توجه به تبلیغات، به عنوان یک ابزار فرهنگی و نه صرفاً سیاسی برای گسترش ارزش‌ها، اخلاق و کرامت انسانی در سطح امت اسلامی و جهان مورد توجه است و زمانی سیاست خارجی دولت اسلامی می‌تواند متصف به اسلامیت شود که از تبلیغات بر اساس تعالیم اسلامی عمل نماید.

۳. اقتصاد

اقتصاد به عنوان یک ابزار در زمینه سیاست خارجی دولت اسلامی می‌تواند بسیار حساس و مهم باشد. اقتصاد در نظر حضرت امام(ره) هیچ وقت به عنوان هدف اساسی نبوده، بلکه بعد از دیگر موارد اساسی قرار داشته است. امام(ره) درباره نقش اقتصاد در اسلام می‌فرماید: «انّ الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تاکل الانعام و النار مثنوی لهم ؛ این میزان است، هر کس ملاحظه کرد که در تمتعاتش، در اکل و استفاده‌ها و لذایزش به افق حیوانی نزدیک است، یعنی می‌خورد و لذت می‌برد، بدون اینکه تفکر کند که از چه راهی باید باشد، حیوان دیگر فکر این نیست که حلال یا حرام است، فکر این نیست که امت در گرفتاری هستند یا نیستند، آنهایی که بدون این تفکر، بدون یک قانونی و بدون قانون اسلامی تمتع می‌کنند و می‌خورند، اینها اکلشان حیوانی است و النار مثنوی لهم...» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۷).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «اسلام، نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیت است، هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمده‌اند که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد، بسازند و او را تربیت کنند» (همان، ج ۲، ص ۲۲۵).

حضرت امام(ره) اقتصادی را می‌پذیرد که بر اساس ارزش‌های اسلامی و انسانی پایه‌ریزی شده باشد، اقتصادی که باعث از بین بردن وابستگی به اجانب باشد، اقتصادی که از محرومان و مستضعفان حمایت کند؛ پس اساساً خود اقتصاد فی ذاته هدف نیست؛ بلکه اهمیت اقتصاد به این است که به کمک ارزش‌های معنوی و الهی بشتابد.

اگر اقتصاد در صحنه داخلی بر اساس موازین الهی - انسانی باشد، در محیط بیرونی و ارتباط با سایر کشورها هم باید بر این اساس باشد و دولت اسلامی نمی‌تواند از اقتصاد به عنوان یک ابزار در جهت اعمال سلطه و سلطه‌گری استفاده نماید؛ بلکه باید از ابزارهای اقتصادی برای اهداف فرهنگی و ارزشی سود جوید و اهداف مادی را به تبع آن تأمین نماید. در این باره، یکی از مباحثی که در اقتصاد اسلامی نقش بسزایی در دستیابی به اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی دارد، اصل تألیف قلوب است. تألیف قلوب، دو معنای فقهی و سیاسی دارد. در معنای فقهی، تألیف قلوب به معنای حمایت از مسلمانان ضعیف الاراده و کافران غیر متخاصم در راستای همکاری و گرایش آنان با دولت اسلامی است، که عمدتاً شکل اقتصادی دارد و یکی از مصارف زکات، «مولفة قلوبهم» است.

امام خمینی(ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «مولفة قلوبهم، آن عده از کفار هستند که با تألیف قلوب به جهاد ترغیب گردند یا به دین اسلام متمایل شوند، همین طور آن مسلمانانی که ضعیف النفس هستند، مشمول تألیف قلوب می‌باشند» (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۳۰۱).

تألیف قلوب در معنای عام خود شامل غیر زکات هم می‌شود. ولی امر مسلمانان بر اساس مصلحت می‌تواند بودجه بیت المال را به این امر اختصاص دهد.

از نظر سیاسی نیز تألیف قلوب بر حمایت از برخی دولت‌ها برای جلوگیری از اتحاد آنان با سایر دولت‌های مخالف نظام اسلامی و ضرورت پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش تأکید دارد.

۴. نظامی

یکی از ابزارهای سیاست خارجی که کشورها برای پیشبرد اهداف خود معمولاً در مرحله آخر از آن استفاده می‌کنند، ابزار نظامی است. اما در سیاست خارجی دولت اسلامی از حربه نظامی و زور برای کشورگشایی، حمله به کشور دیگری، فتنه‌انگیزی، کمبود فضای حیاتی، نژادپرستی و مانند اینها استفاده نمی‌شود؛ بلکه برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی به کار می‌رود. در عصر غیبت امام معصوم (ع) قوای نظامی در دولت اسلامی صرفاً کاربردی دفاعی و بازدارندگی دارد. در آموزه‌های اسلامی از ابزار نظامی به جهاد تعبیر می‌شود و مفهوم جهاد با خود بار ارزشی و فرهنگی دارد.

سخن از جهاد و انواع آن در صدر اسلام فراوان است که در این تحقیق، فرصت بحث آن را نداریم و فقط دیدگاه امام خمینی (ره) را در مورد این ابزار سیاست خارجی دولت اسلامی بررسی می‌کنیم. امام خمینی (ره) در مورد جهاد به بهره‌های مادی و آنچه کشورهای استکباری در نظر داشته‌اند، توجه نکرده است و می‌فرماید: «اسلام و سایر ادیان محرک بودند، مردم را بیدار کردند، تعلیمات انبیاء مردم را بیدار کرد، مردم را بر ضد قدرتمندان و بر ضد مشرکان تجهیز کرد، قرآن می‌شود گفت کتاب جنگ است، کتابی است که مردم را به جنگ کردن تجهیز می‌کند، در عین حالی که همه تعلیمات انسانی در آن است، لکن مسلمانان اشداء علی الکفار رحماء بینهم [هستند]؛ بر کفار سخت‌گیر و در بین خود مهربانند و قاتلوا المشرکین کافه؛ با همه مشرکان بجنگید. قرآن مردم را وادار کرد و مردم را بیدار کرد، به مردم دل‌داری داد که ملائکه همراه شماست. ملائکه هم همراهشان بود، یک دسته کوچکی حرکت می‌کرد، یک قدرت بزرگی را می‌شکست با همان قدرت ایمان و آن تحرکی که پیغمبر اکرم (ص) و قرآن کریم ایجاد کرده بود» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۳۱).

امام هرگز جنگ را برای کشورگشایی و قدرت‌خواهی نخواستند؛ بلکه جنگ را فقط برای رسیدن به حکومت الله و احیای فرهنگ قرآنی، مشروع دانستند. در این راستا، به تجهیز بسیج بزرگ سربازان اسلام قائل بودند: «جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و باید در جنگ اعتقادی‌مان، بسیج بزرگ سربازان را در جهان اسلام به راه اندازیم» (همان، ج ۲۰، ص ۲۳۶).

امام خمینی (ره) همیشه طرفدار عدالت و ایجاد عدالت اسلامی در یک نظام قدرتمند اسلامی بود و اگر می‌خواستند از ابزار جنگ در جهت قدرت استفاده کنند، فقط برای برقراری عدالت بوده است: «برای عدالت، جنگ لازم است، اگر مردم عادل باشند که دیگر جنگی در کار نیست. اگر مردم انسان باشند که دیگر جنگی در کار نیست. لکن وقتی که دارد [حق] اکثریت مستضعفان پایمال می‌شود، وقتی تمام حیثیت اسلام و مسلمین در خطر است، وقتی که تمام حیثیت همین ملت در خطر است، ما جنگ را شروع نکرده‌ایم و الان در حال دفاع هستیم» (همان، ج ۱۸، ص ۶).

امام (ره) دفاع از ناموس‌های مسلمانان را یکی از وظایف دولت اسلامی می‌داند: «ما باید این معنا را در نظر داشته باشیم که با تمام قوا و تا آخرین نفرمان مهیا شویم و در راه خدا جهاد کنیم. دفاع از نوامیس مسلمین، دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری لازم است و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم» (همو، ۱۳۸۱، ص ۶۴).

از اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه اندیشه والای امام خمینی (ره) استنباط می‌شود که ابزار و شیوه نظامی که در اسلام از آن به «جهاد» تعبیر می‌شود، باید در خدمت اهداف فرهنگی و انسانی باشد. در اسلام، هدف از جهاد، کشورگشایی و توسعه قدرت و منافع مادی و دنیوی نیست؛ بلکه هدف حاکمیت «الله» و ارزش‌های الهی بر جامعه بشری است. اسلام همان گونه که دفاع از جان، مال و ناموس را بر هر مسلمانی واجب می‌داند، دفاع از اعتقادات و احکام دینی را نیز بر هر مسلمانی واجب می‌داند. اساساً نثار جان در راه خدا و دفاع از دین و کشور اسلامی، ارزش والا و افتخاری بزرگ است که نصیب شخص مؤمن می‌شود و در واقع، چنین شخصی با خداوند معامله می‌کند و مستحق بالاترین درجه‌ها نزد خداوند می‌باشد. آیات و روایت‌هایی که در مدح و اوصاف شهید بیان شده، نشان می‌دهد که جهاد در اسلام، ماهیتی ارزشی و فرهنگی دارد؛ بنابراین، ابزار نظامی در سیاست خارجی دولت اسلامی با مفهوم جهاد در اسلام تبیین می‌شود و روشن است که مفهوم جهاد، مفهومی ارزشی و عمیق در فرهنگ اسلامی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه درباره ابزارهای سیاست خارجی، اعم از دیپلماسی، تبلیغات، اقتصاد و اقدام نظامی بیان شد، مشخص می‌شود که دیپلماسی پیش از آنکه اهداف سیاسی صرف و یا جنبه تقویت قدرت مادی برای کشور اسلامی داشته باشد، باید در جهت اهداف فرهنگی و انسانی ملت اسلامی و سایر ملت‌ها باشد و دستیابی به سایر اهداف، اعم از سیاسی و تأمین منافع مادی کشور اسلامی باید با توجه به آن، معنا و مفهوم یابد. ابزار و فنون تبلیغات نیز ماهیت فرهنگی دارد که باید در جهت بیدارسازی، افزایش بینش سیاسی و سطح ادراک‌های ملت‌ها صورت گیرد و آنها را به وظایف، حقوق و تکالیفشان رهنمود کند.

همچنین ابزار اقتصادی صرفاً مادی نیست؛ بلکه در چارچوب اهداف معنوی، معنا می‌یابد و هدف از اقدام‌های نظامی، توسعه‌طلبی، سلطه‌گری و کشورگشایی نیست؛ بلکه در ارتباط عمیق با اهداف و تعالیم بزرگ الهی-انسانی است که همان ایجاد آرامش برای تحقق اهداف اسلام می‌باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اسفندیاری، خلیل (۱۳۸۵)، «استقلال و خودباوری در اندیشه امام خمینی»، نشریه رسالت، ۸۵/۳/۱۳.

۳. توکلی کرمانی، حمید (بی تا)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۴. حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶)، مسئولیت های فراملی دولت اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۵. خمینی، روح الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره).
۶. _____ (بی تا)، کشف الاسرار، بی جا: بی نا.
۷. _____ (۱۳۸۱)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. در جستجوی راه از کلام امام (۱۳۶۴)، دفتر دهم، تهران: امیر کبیر.
۹. روابط بین الملل و سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تبیان (دفتر بیست و هشتم) (۱۳۸۱)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تهران.
۱۰. صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه های فرهنگی، تهران: نشر ققنوس.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار، بی جا: بی نا.
۱۲. یوسفی، محمود (۱۳۷۹)، بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)، پایان نامه کارشناسی دانشگاه باقر العلوم (ع).